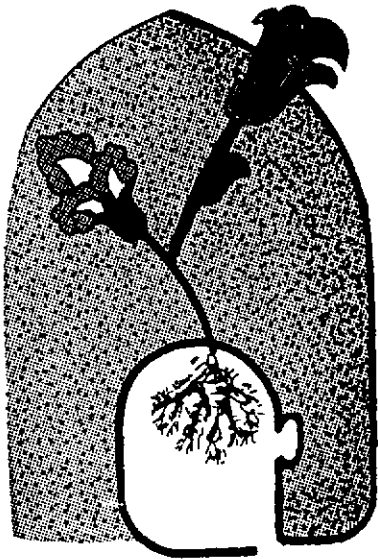


اهداف تربیت (۲)

سید مهدی میرهادی



مقدمه:

پیش از این بحثی مبسوط در زمینه تعاریف تربیت داشتیم و اینک اهداف تربیت را از دیدگاه بزرگان عرصه تعلیم و تربیت بررسی می‌نمایم.

اگرچه برخی افراد همچون دیوئی، تربیت را فرآیندی می‌دانستند که هیچ هدف ثابتی ندارد ولی به نظر می‌رسد لااقل در مورد تعدادی از اهداف چنین نباشد.

این اعتقاد از یک بینش فلسفی درباره مقوله حقیقت و نسبیّت یا عدم نسبیّت آن ناشی می‌شود که البته ما قصد پرداختن به این مبانی فلسفی را نداریم.

ولی به هر حال واضح است که در زمینه برخی اهداف تربیتی که وابسته به تحولات و تغییرات اجتماعی است باید هدف تربیت و روشهای آن به طور دائم و همگام با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه که - اصل علم تجربه است، مورد بازنگری قرار گیرد.

● تعریف هدف و نقش اهداف

هدف نقطه‌ای است که انسان به طرف آن حرکت می‌کند.

هدف، جهت زندگی و جهت کوششهای انسان را روشن می‌سازد.^۱ اعمال بدون هدف، فعالیتهایی عقیم و بدون نتیجه‌اند فعالیتهایی عبث و بیهوده که

ثمری به دنبال ندارند و هدر دادن نیروها و امکانات، نتیجه واقعی آن است.

تعیین هدف به فعالیتهای معنا می‌بخشد و به افراد برای انجام فعالیتهای، انگیزه و نیرو می‌بخشد اهداف همچنین معیارهای ارزشیابی و سنجش فعالیتهایند. میزان تحقق اهداف، مقیاس و ملاکی است برای تعیین صحت مسیر پیموده شده و مناسب بودن روشهای بکار گرفته شده و همچنین درستی اقدامات در دست اجرا.

با توجه به اهداف است که اشتباهات مسیر تصحیح می‌شود و فعالیتهای در کانال اصلی و صحیح خود هدایت می‌شود. اهداف هم چنین تابلویی از فلسفه و حقانیت افکار و اعمال تعقیب کنندگان آن است.

دکتر شریعتمداری در کتاب جامعه و تعلیم و تربیت برخی نقشهای اهداف تربیتی را برشمرده است:

۱- هدفهای تربیتی جهت تجربیات، فعالیتهای، مطالعات و بحثهای معلم و شاگرد را تعیین می‌کنند.

۲- هدفهای تربیتی نقطه‌ای را که کلیه افراد فعالیتهای آموزشی و پرورشی به آن توجه دارند مشخص می‌سازند.

۳- هدفهای تربیتی کوششهای افراد و گروههای شاگردان و معلمان را هماهنگ می‌سازند.

۴- هدفهای تربیتی معلمان و شاگردان را برای شرکت در فعالیتهای متنوع تربیتی تحریک می‌کنند.

۵- هدفهای تربیتی اساس ارزش سنجی پیشرفت بر شاگردان و افراد را تشکیل می‌دهند.^۲

● منابع تعیین اهداف تربیتی

منابع تعیین اهداف کدامند؟ چه کسانی این اهداف را تعیین می‌کنند؟ این منابع چه اعتباری دارند و اعتبار خود را از کجا و از چه مرجعی دریافت می‌کنند؟ پاسخ عمیق به این سئوالات، بحثهای گسترده‌ای را در زمینه حقوق سیاسی، فرهنگها، مذهب، رهبران جوامع و مشروعیت و مقبولیت حکومتها به دنبال دارد.

منابع تعیین اهداف، شدیداً به فرهنگ جامعه، شرایط و نیازهای اجتماعی، فلسفه اجتماع و نفوذ و رسوخ مذهب در آن جامعه وابسته است.

مهمترین منبع برای استخراج اهداف تربیتی در جوامع دینی، مذهب و فلسفه دینی آن جامعه است.

این اهداف کلی و غایبی توسط افرادی تعیین می‌گردد که بیشترین آشنایی را با متون مذهبی مربوطه دارند.

اهداف جزئی نیز از همین اهداف کلی و توسط متخصصان هر رشته استخراج می‌گردد.

اما در جوامع لائیک، تعیین اهداف صرفاً بر مبنای اندیشه بشری و فقط در محدوده زندگی دنیوی، صورت می‌گیرد. حال ممکن است این کار را نمایندگان مردم انجام دهند (در جوامع دموکراسی و مبتنی بر رأی مردم) یا افراد منتخب و دیکتاتورها (در جوامع غیر دموکراسی) و مشخص است که در هر صورت این اهداف در جهت منافع افرادی خاص یا یک گروه اکثریت از مردم قرار دارد و در مواردی ممکن است صرفاً متکی به رای مردم باشد تا صلاح مردم.

دکتر شریعتمداری برخی از منابع تعیین اهداف تربیتی را که البته بیشتر ناظر به هدفهای آموزش‌های رسمی است، چنین بیان نموده است:

- ۱- احتیاجات و مسائل اجتماعی - هدفهای تربیتی باید با توجه به احتیاجات و مشکلات اجتماعی تعیین گردد. فلسفه اجتماعی یک منبع اساسی هدفهای تربیتی است و این اهداف باید در جهت وسیعی انعکاس از این فلسفه باشد.
- ۲- احتیاجات افراد - اهداف تربیتی باید بر روی فعالیتهای درونی و احتیاجات فرد پایه ریزی شود.
- ۳- اصول و مبانی یادگیری^۲

● اهداف تربیت و دیدگاهها

اکنون همان طور که در بحث تعاریف تربیت داشتیم، بینیم اصلاً چرا اهداف تربیت متفاوت است؟ چرا اندیشه‌های بشری در این مورد توافق ندارند؟ مگر نه این است که موضوع تربیت یعنی «انسان» یکی است، پس به چه دلیل تا این حد بر سر چگونه شدن او اختلاف است؟

آیا امکان توافق بر نقطه‌ای که فعالیتهای تربیتی به سمت آن جهت‌گیری کنند، وجود دارد؟ به اعتقاد من پاسخ این سؤال در کیفیت و ماهیت وجودی انسان نهفته است.

از آنجا که انسان اساساً موجود است که وجودش بر ماهیتش مقدم است، بر سر این موضوع که ماهیت او چه باید باشد و به بیان روشن‌تر چه باید بشود، اختلاف نظر وجود دارد.

از سوءاستفاده‌ها و غرض‌ورزیهای قدرتمندان و ثروتمندان در هدف‌گذاریهای فعالیتهای تربیتی که بگذریم به لحاظ منطقی و فکری نیز در بین دانشمندان بشری از ابتدا بر سر این موضوع که برای تحقق چه هدفی باید تربیت کرد، اختلاف اساسی وجود دارد.

این اختلاف به دیدگاهی که هر فرد یا مکتبی نسبت به انسان و مختصات او دارد



ارتباط می‌یابد. این اختلاف نظر دیدگاهی که هدف تربیت را قرب به ذات یگانه الهی می‌داند با دیدگاهی که هدف را صرفاً یک شهروند خوب بودن می‌داند، در چه چیز با یکدیگر اختلاف دارند؟

واضح است که چنین دیدگاهها در مرحله تعیین اهداف است که از یکدیگر فاصله می‌گیرند در واقع دلیل تفاوت در اهداف، اختلاف در مبانی فلسفی، ارزشی و فکری دیدگاهها نسبت به دلیل تفاوت در تصویری است که هر کدام از انسان و ارزشها و ظرفیتهای او ارائه می‌دهند و مهمتر از همه تصویری است که از خالق هستی، جهان هستی و خلقت و سرانجام آن دارند.

موضوع مهم دیگر نگرشی است که دیدگاههای مختلف درباره سعادتمندی انسان دارد واقعاً سعادتمندی انسان در چیست؟ انسان سعادتمند کیست؟ و این سعادتمندی بر چه ویژگیها و درگسروتحقق چه مسائلی است اکثر مکاتب تربیتی به دنبال تحقق سعادتمندی انسانها و به تبع آن سعادتمندی جوامع هستند ولی این سعادتمندی را در کجا باید جستجو کرد؟

همانقدر که در چیستی سعادتمندی اختلاف نظر وجود دارد، در اهداف تربیت نیز تفاوتها بروز می‌کند. پس ملاحظه می‌کنیم که تفاوت در اهداف تربیت، ناشی از تفاوتها در این مبانی فکری است. در این بخش به معرفی پنج دسته از اهداف تربیتی اشاره نموده و در حد امکان به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

الف: گروه اول

این گروه هدف را نوعی شناخت می‌پندارند و معتقدند هدف تربیت دادن شناخت به انسان است در مورد برخی مسائل.

۱- غزالی معتقد است که انسان خیلی بزرگ است و باید از مجرای خودشناسی، ابعاد اصیل خود را کشف کند.

انسان باید خودش را بشناسد و راه رشد خود را به طرف کمال مطلوب در این ایستگاههای دنیا نبندد.

«من عرف نفسه فقد عرف ربه» این است هدف تربیت.^۱

۲- هدف تربیت، شناخت نفس خویش یا خوب‌شدن شناسی است که هم هدف است، هم وسیله و هم روش.^۵

۳- هدف تربیت، شناخت خود، جامعه، جهان و مخلوقات و آفریننده جهان است.^۶

۴- هدف تربیت، تعیین (شناخت و تبیین) اموری است که شایستگی دارند که «خیر» خوانده شوند، یعنی معرفی صحیح خیرها. لا و سپس تقویت تمایل او نسبت به آنها.

به نظر می‌رسد این گونه هدف گذاری برای تربیت بی اشکال نباشد. چرا که اگر فرضاً اهداف فوق را تحقق یافته بپنداریم، آنچه را یافته ایم، صرفاً نوعی شناخت است و نه چیز دیگر.

نکته اصلی این است که شناختها ابزار تحقیق اهدافند و نه اینکه خود هدف باشد بنابراین بهتر است بگویم یکی از مهمترین کارکردهای تربیت، دادن شناخت به افراد است.

ب: گروه دوم

دومین دسته، هدف تربیت را تسهیل نمودن حرکت انسان به سوی معنویت می‌دانند.

۱- هدف غایی تربیت اسلامی این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش خداوند فراهم آورند و معراج او را به مرحله کمال انسانی تسهیل نمایند و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، همسوار کنند به طوری که در سایه عمل صالح مدارج علم و ایمان را طی کند و خود را به خدا که مقصد نهایی این سیر و سلوک است نزدیکتر سازد.^۸

۲- از اغراض تربیت آن است که انسانهای در بند جهل را آزاد کنیم، زنجیرها را از پایشان برکنیم و از عالم ظلمات به سوی جهان نورانی حرکتشان دهیم.^۹

۳- علمی باید تحصیل گردد که انسان را برای انتخاب انسانیت برنفسانیت یاری دهد.^{۱۰}

۴- تربیت باید راه گرایش به جنبه ربانی را در فرد هموار سازد.^{۱۱}

۵- هدف تربیت آدمی، تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدر شده است.^{۱۲}

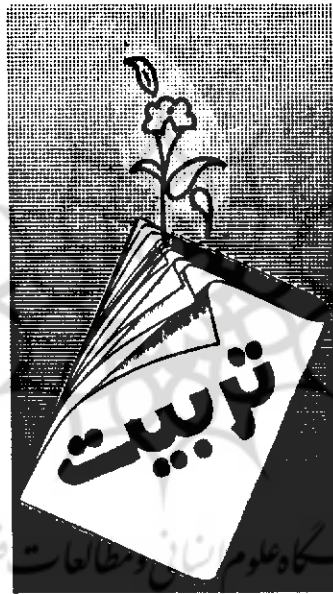
این اهداف بیشتر بر نوعی ایجاد زمینه تأکید دارند. در واقع واضعان این اهداف بر این باورند که تربیت ابزاری برای کمک به

فرد است تا او به تحقق خودش بپردازد.

در این اهداف، مبنا این نیست که دست فرد را بگیرند و به منزل مقصود برسانند. بلکه هدف این است که تواناییهای در فرد تحقق یابد تا او خود راه را بییابد.

اهداف فوق بیشتر به جنبه های فردی رشد و سعادت انسانی توجه دارند تا به جنبه های اجتماعی و سعادت جوامع انسانی در کلیت آن.

اگر چه برخی معتقدند سعادت جوامع از برآیند سعادت افراد حاصل می شود و با تربیت انسانهای خوب می توان جوامع خوبی داشت، ولی باید توجه داشت که مجموع



فرد فرد انسانها، جامعه را تشکیل نمی دهند بلکه جامعه در کلیت خود چیزی فراتر از مجموع افراد است. به همین دلیل است که به نظر می‌رسد اهداف یاد شده (گروه دوم) توجه کمتری به این مطلب داشته اند.

از طرف دیگر باز هم به نظر می‌رسد که هدف تربیت باید چیزی فراتر از تسهیل حرکت انسان به سوی معنویت باشد. آیا هدف به معنایی که در ابتدای بحث اهداف به آن اشاره شده است تسهیل حرکت انسان به سوی معنویت است یا اینکه خود نیز بخشی از این حرکت و شاید تمهیدی برای آن است. بنابراین به نظر می‌رسد بتوان به دنبال اهداف کاملتری بود.

ج: گروه سوم

گروه اهداف بعدی که بررسی خواهیم نمود، مبنای و صبغه ای مذهبی و عرفانی دارند. اهدافی که به قله تعالی انسان چشم دوخته اند و رسیدن به این قله را در وصل یار می‌جویند.

۱- هدف تربیت، جلب رضای خداوند و تقرب به ذات اوست.^{۱۳}

۲- هدف تربیت، وصول به حق و درک سعادت و زیبایی است.^{۱۴}

۳- غایت در تربیت، تزکیه و تشبه به خداوند است.^{۱۵}

موارد فوق اهدافی است از زبان مذهب. غایت فعالیت‌های تربیتی، تقرب به خداوند است و تربیتی که به دنبال تحقق چیزی غیر از این باشد، فعالیتی است عبث و عقیم.

این گروه از اهداف خصوصاً به لحاظ فردی، به تمام معنی هدفمند - تقرب به خداوند نقطه ای درخشان است که باید به سوی آن حرکت کرد.

نقطه و هدفی که درجات عدیده و بی انتهای دارد هدفی که رشد انسان را متوقف نمی‌کند و تمام جنبه های شخصیت انسان را شامل می‌شود. هدفی است قابل اجرا، متناسب با ظرفیتها و تواناییهای تک تک افراد. هم چنین هدفی است جامع زیرا که بر تمام جنبه های زندگی انسان سیطره دارد و آن را شامل می‌شود.

د: گروه چهارم

طیف بعدی شامل اهدافی است که به نوعی بیانگر تعالی و تکامل انسان هستند:

۱- هدف تربیت پرورش روان، پرورش خرد و پرورش بدن است (سید قطب)^{۱۶}.

۲- هدف تربیت، ایجاد ایمان و اخلاق نیکو و تندرستی، سواد و هنر و پیش است (ابن سینا)^{۱۷}.

۳- هدف تربیت، رساندن انسان است به مرحله عقلانی (ارسطو)^{۱۸}.

۴- هدف تربیت، تربیت جسم برای تقویت جان و عقل و رساندن انسان از مرحله حیوانی به مرحله انسان کامل است.^{۱۹}

۵- هدف تربیت، پرورش روح عدالتخواهی، پرورش نیروی تفکر، پرورش روح اجتماعی، پرورش شخصیت اخلاقی و تکامل انسان است.^{۲۰}

۶- هدف تربیت، هدایت رشد، طهارت و حیات طیب و تقوی و عبودیت است.^{۲۱}

۷- هدف تربیت، رشد معرفت فطری، حسن تفکر، حسن عاطفه، حسن عمل، حسن رفتار، تعالی شخصیت و میل به کمال لایق انسانی است.^{۲۲}

۸- هدف تربیت، رشد به سوی کمال و پویایی به سوی حقیقت است و حقیقت خداست.^{۲۳}

۹- اساسی ترین هدف تربیت، رشد دادن و شکوفا نمودن کامل شخصیت انسانی و قوام بخشیدن روح احترام به حقوق دیگران و مراعات آزادیهای اساسی است.^{۲۴}

۱۰- هر موجودی را کمالی است که هدف خلقت او آن، هدف تربیتش رسیدن بدان است.^{۲۵}

آنچه درباره این گروه از اهداف می توان گفت، این است که به دلیل تقدم وجودی انسان بر ماهیتش، انسان به هر حال در مسیر شدن گام برمی دارد؛ شدنی منفی و تخریبی، یا شدنی مثبت و سازنده. اساساً تفاوت انسان با دیگر موجودات در همین نکته نهفته است اکنون می گوییم که اگر انسان در مسیر شدن خود، ارزشهای وجودی درون خود را فعلیت بخشد به سوی تکامل گام برداشته است و اگر در این مسیر جنبه های منفی و تخریبی خود را فعلیت بخشد به سوی سقوط و انحطاط حرکت نموده است.

در این فرآیند است که به اهمیت و نقش تربیت در تحقق هریک از این دویی می بریم. هدف تربیت و تمام ظرفیت فعالیت های تربیتی اختصاص به تصحیح این مسیر و تحقق ارزشهای وجودی انسان دارد.

هد: گروه پنجم

دسته آخر، هریک مجموعه ای از اهداف را شامل می شوند، مجموعه ای از

اهداف فردی و اجتماعی، اهداف دنیوی و اخروی، اهداف معنوی و مادی.

۱- هدف تربیت، تأمین سعادت دین و دنیا و تسلط بر نفس و تهذیب آن است. (غزالی)^{۲۶}.

۲- هدف تربیت، تربیت مردمی مؤمن و مسئول در رابطه با خالق، تربیت مردمی مقید در رابطه با جامعه و تربیت مردمی متفکر، خلاق و مؤلف در رابطه با عالم طبیعت است.^{۲۷}

۳- اهداف تربیت عبارتند از: پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی در انسان، حرکت دادن انسان به سوی خدا، پرورش قدرت تشخیص در انسان، آگاه کردن او از پایگاههای خویش در جهان و ایجاد روح برادری، تعاون و احسان است.^{۲۸}

۴- اهداف تربیت عبارتند از: توجه و درک ارزشهای معنوی انسان، شناخت انسان، جهان و درک ارتباط انسان با خدا، دوستی با ملل دیگر و رشد طرز تفکر انتقادی و ایجاد روح علمی.^{۲۹}

۵- اهداف تربیت عبارتند از: تطهیر نفس و پیوستن به خدای تعالی آماده کردن فرد به منظور بدست آوردن روزی، رعایت شئون اجتماعی و رشد تکامل یابنده فرد متناسب با توانایی او.^{۳۰}

پی نوشتها:

۱- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۵۹

۲- جامعه و تعلیم و تربیت، ص ۱۷۷

۳- همان مأخذ، صص ۱۷۱-۱۶۶

۴- مجموعه بحثهای تربیتی، ص ۳

۵- همان مأخذ، ص ۱۶۶

۶- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۶۰

۷- گامی در مسیر تربیت اسلامی، ص ۱۰۸

۸- تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۴۰

۹- نظام تربیتی اسلام، ص ۲۹

۱۰- تربیت اسلامی، ص ۳۰

۱۱- مجموعه بحثهای تربیتی، ص ۵۳

۱۲- تعلیم و تربیت و مراحل آن، صص ۳۹ و ۳۷

۱۳- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۶۱

۱۴- همان مأخذ، ص ۵۹

۱۵- مجموعه بحثهای تربیتی، ص ۲

۱۶- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۶۱

۱۷- همان مأخذ، ص ۵۹

۱۸- همان مأخذ

۱۹- همان مأخذ

۲۰- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۶۱

۲۱- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۶۴-۵۹

۲۲- گامی در مسیر تربیت اسلامی، ص ۱۲۱

۲۳- مجموعه بحثهای تربیتی، ص ۲ و ۳

۲۴- نظام تربیتی اسلام، ص ۲۸

۲۵- تعلیم و تربیت و مراحل آن، صص ۲۹ و ۳۷

۲۶- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۶۲

۲۷- تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۴۰

۲۸- اصول و روشهای تربیت در اسلام، ص ۶۲

۲۹- اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۹-۱۰ و ۱۰۵

۳۰- نظام تربیتی اسلام، صص ۲۹-۲۷

منابع و کتابنامه:

۱- احمدی، سید احمد - اصول و روشهای تربیت در

اسلام - انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان ۱۳۶۸

۲- باقری، خسرو - نگاهی دوباره به تربیت اسلامی،

انتشارات دفتر امور کمک آموزشی ۱۳۶۸

۳- حائری شیرازی، محمدصادق - تربیت اسلامی،

انتشارات والشمس

۴- امان الله صفوی - تعلیم و تربیت جهانی، انتشارات

رشد تهران ۱۳۶۸

۵- شریعتمداری، علی - جامعه و تعلیم و تربیت،

انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۵

۶- شریعتمداری، علی - اصول و فلسفه تعلیم و تربیت،

انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۴

۷- شریعتمداری، علی - تعلیم و تربیت اسلامی،

انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۶

۸- شکوهی، غلامحسین - تعلیم و تربیت و مراحل

آن، انتشارات آستان قدس ۱۳۶۵

۹- قریشی، باقر شریف - نظام تربیتی اسلام، وزارت

ارشاد ۱۳۶۲

۱۰- کاردان، علیمحمد - معنی و حدود علوم تربیتی،

ترجمه انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۰

۱۱- مظالموسی، رجبعلمی - گامی در مسیر تربیت

اسلامی، نشر آفاق ۱۳۶۲

نشریات:

۱- مجموعه بحثهای تربیتی - ویژه نامه شماره ۱ -

دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران - ۱۳۶۲

۲- فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۲ و ۳ - وزارت

آموزش و پرورش ۱۳۶۴

۳- فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۸ - وزارت آموزش و

پرورش ۱۳۶۸